

پیامدسنجی ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه «با تأکید بر دیدگاه امام علی(ع)»

دکتر محمد مولوی*

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۵/۳۱

چکیده

فریضه امر به معروف و نهی از منکر در دین اسلام، به دلیل اهمیت فردی و اجتماعی آن از فروع دین محسوب می‌شود؛ تا آنجا که ترک این واجب الهی، می‌تواند نتایج زیان‌باری در جامعه به وجود آورد. از این رو، قرآن کریم و معصومان(ع) اجرای این دستور الهی را عامل سعادت اجتماع و ترک آن را موجب تباهی آن می‌دانند، و هر یک بر اهمیت و ضرورت اجرای این فریضه الهی در جامعه اسلامی تأکید کرده و به مردم از عواقب وخیم ترک آن هشدار داده‌اند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع دست اول کتابخانه‌ای درصدد پاسخ به این سؤال است که از نظر امام علی(ع) امر به معروف و نهی از منکر چه جایگاهی در جامعه دارد و پیامدهای ترک آن در جامعه چه می‌تواند باشد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایشان در همه دوران زندگی به‌ویژه در عصر زمامداری خود به طور فراوان مردم را بر ضرورت اجرای امر به معروف و نهی از منکر تشویق کرده و آنان را از ترک آن پرهیز داشته‌اند. از نظر امام علی، انجام این فریضه موجب افزایش رزق و روزی، تقویت مؤمنان و اصلاح توده مردم، ایجاد اتحاد در جامعه مسلمانان و غلبه بر دشمنان می‌شود. از نظر ایشان، امر و نهی از اوصاف خداوند است و چنان فضیلتی دارد که تمامی اعمال نیک، حتی جهاد در برابر آن مانند قطره در برابر دریاست. امام علی(ع) به مناسبت‌های گوناگون نتایج ترک این فریضه در جامعه را ترسیم کرده‌اند که برخی از آنها عبارت‌اند از: تسلط یافتن ظالمان و تبادان بر جامعه، فروپاشیدن نظام جامعه، پدید آمدن حالت بی‌اعتمادی و سهل‌انگاری در جامعه، انحراف حاکمان، عدم استجابت دعای مردم، مورد سرزنش قرار گرفتن تارک امر به معروف و نهی از منکر، مورد لعن خداوند قرار گرفتن و تزلزل در پایه‌های دین. ایشان در جایی دیگر تارک امر و نهی را به مرده‌ای تشبیه کرده‌اند که در میان زندگان است.

کلیدواژه‌ها: امر به معروف، نهی از منکر، نظارت عمومی، امام علی(ع)، جامعه.

مقدمه

معروف از ریشه «عرف» در اصل بر دو معنا دلالت دارد: معنای مشهور آن، جود، بخشش، کار نیک و نیکی، انصاف و همراهی با اهل خانه و مردم است. معنای دیگر آن «بوی خوش» است، زیرا نفوس انسانی بدان وسیله سکون پیدا می‌کند (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق: ۲۲/۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲۸۱/۴). بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر در لغت به معنای خواستن چیزی است که نفوس بشری به سبب آن آرامش یابد.

«منکر» از ماده «نکر» به معنای کار دشوار و زشت، ضد معروف است. هر چیزی را که شریعت، قبیح و حرام بداند منکر است (طریحی، ۱۳۷۵ش: ۵۰۲/۳). نهی از منکر، عبارت است از بازداشتن انسان از انجام دادن کارهای زشت و نامعقول و جلوگیری از اموری که در واقع، انسان از آن ترس و نفرت دارد، ولی به واسطه جهل، غفلت، عناد یا... مرتکب آن می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۳۹؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷ش، ۳/۲۶۷).

در اصطلاح نیز معروف آن چیزی است که خداوند متعال انجام دادن آن را واجب کرده و عقل، انجام آن را ترغیب کرده است؛ در مقابل، منکر آن چیزی است که خداوند از آن نهی فرموده است و عقل از انجام دادن آن کناره‌گیری می‌کند.

پیشینه امر به معروف و نهی از منکر به اندازه تاریخ زندگی انسان‌هاست، آن‌گاه که هابیل برادر خود قابیل را از عملی کردن نیت زشتش برحذر داشت (مائده / ۲۷-۳۰). یکی از مهم‌ترین رسالت‌های پیامبران الهی نیز در طول تاریخ، امر به معروف و نهی از منکر بوده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «در میان هر امتی پیامبری مبعوث کردیم که مهم‌ترین کار و وظیفه او [عبارت است از:] امر به یکتاپرستی که بزرگ‌ترین معروف‌هاست و نهی از اطاعت طاغوت‌ها که بزرگ‌ترین منکرهاست» (النحل / ۳۶). نقش این فریضه سازنده در اداره امور جامعه چنان مهم است که می‌توان گفت همه حرکت‌های اصلاحی و دگرگونی‌های سازنده در جوامع بشری در پرتو امر به معروف و نهی از منکر تحقق می‌یابد.

دین اسلام نیز که بیش از هر دینی به زندگی اجتماعی انسان اهمیت می‌دهد، از پیروان خود می‌خواهد که خود را در برابر جامعه متعهد بدانند و در صورت مشاهده ستم و گناه سکوت نکنند، بلکه همواره دیگران را به خوبی‌ها امر کنند و از بدی‌ها باز دارند. تأکیدهای مکرر قرآن کریم در

خصوص امر به معروف و نهی از منکر بیانگر اهمیتی است که اسلام برای سالم‌سازی محیط اجتماع و مبارزه با عوامل فساد و گناه قائل شده است، به گونه‌ای که خداوند یکی از اوصاف خود را امر و نهی کننده معرفی کرده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ» (النحل / ۹۰). خداوند در برخی آیات راه رستگاری فرد و جامعه را امر به معروف و نهی از منکر دانسته «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران / ۱۰۴)؛ همان‌گونه که امتی را که در آن امر و نهی باشد بهترین امت‌ها دانسته است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران / ۱۱۰).

با توجه به آیات و همچنین روایاتی که ناظر به این فریضه الهی است، می‌توان دریافت که همواره در قرآن امر به معروف مقدم بر نهی از منکر آمده است تا بفهماند کارها را از راه مثبت پیگیری کنید و تنها در جامعه انتقادکننده نباشید. بررسی آیات قرآن درباره این فریضه الهی نشان می‌دهد:

الف) وجوب این فریضه در همه ادیان الهی بوده، امت‌های گذشته نیز بدان مکلف بوده‌اند؛

ب) امر به معروف و نهی از منکر از شئون پیامبری است؛

ج) یکی از علل نابودی جوامع گذشته ترک امر به معروف و نهی از منکر بوده است؛

د. امر به معروف و نهی از منکر از حقوق متقابل مسلمانان است و افراد جامعه اسلامی در برابر آن مسئول‌اند؛

هـ) زنان نیز مکلف به امر به معروف و نهی از منکر هستند و

در روایات نیز به فریضه امر به معروف و نهی از منکر اهتمام فراوانی شده است. تعداد این‌گونه روایات آن‌قدر زیاد است که صاحبان کتاب‌های حدیثی بابتی را در کتاب‌های خود به این بحث اختصاص داده‌اند.^۱ همچنین فقها در کتاب‌های فقهی و رساله‌های عملی خود فصلی را با عنوان «کتاب الامر بالمعروف و نهی عن المنکر» به این بحث اختصاص داده و در آن، درباره

۱- در این باره ر. ک. به: مصباح الشریعه، ص ۱۹؛ حسین بن سعید، ۱۴۰۲ق، ص ۱۰۵؛ امام حسن عسگری، ۱۴۰۹ق، ص ۴۸۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵/ ۴۵۵؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ش، ص ۲۳۷؛ صدوق، ۱۴۰۶، ص ۲۵۵؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۸۰۸ و

شرایط امر به معروف و نهی از منکر، مراتب و احکام دیگر آن به طور تفصیلی بحث کرده‌اند (حلی، ۱۳۸۳ش: ۱/۳۱۰).

در روایتی از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - در این باره آمده است: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ فَإِذَا لَمْ يُفْعَلُوا ذَلِكَ نُزِعَتْ مِنْهُمْ الْأَبْرَكَاتُ وَ سُلِّطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۸۰۸): «مردم تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کرده، در نیکی‌ها به همدیگر کمک می‌کنند در خیر و نیکی به سر می‌برند، ولی زمانی که امر و نهی نکنند برکات از آنها برداشته می‌شود و بعضی از آنها بر بعضی دیگر مسلط می‌شوند و هیچ یاری‌گری در آسمان و زمین نخواهند داشت.» امر به معروف و نهی از منکر در دین اسلام چنان جایگاهی دارد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) انجام‌دهنده این فریضه را همچون خلیفه خداوند و رسولش در جامعه دانسته است (نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۲/۱۷۹).

از نظر امام باقر - علیه السلام - بدترین اقوام کسانی هستند که بر آمران به معروف و ناهیان از منکر عیب‌گیری می‌کنند (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۶/۱۷۶). امام صادق - علیه السلام - نیز امر به معروف و نهی از منکر را از اخلاق الهی دانسته‌اند که در صورت التزام به آن، مورد عزت خداوند قرار گرفته، در غیر این صورت، نتیجه آن خذلان الهی است (نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۷۷). در بیانی دیگر امام رضا - علیه السلام - ترک امر و نهی را موجب تسلط یافتن اشرار بر مردم دانسته است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۶/۱۱۸).

به هر حال، اهمیت فریضه امر به معروف و نهی از منکر در آموزه‌های اسلامی تا بدانجاست که سایر فرایض و دستورهای اسلامی در پرتو اجرای آن، برپا داشته و جامعه اسلامی محقق می‌شود. از این رو، هرگاه در جامعه‌ای این فریضه مهم به اجرا گذاشته نشود و افراد در قبال پیاده شدن این امر خطیر، احساس مسئولیت نکنند، مرگ آن جامعه حتمی خواهد بود.

همان‌گونه که گذشت، همه امامان معصوم - علیهم السلام - اهمیت و ضرورت برپایی این فریضه الهی و جامعه‌ساز را گوشزد کرده و مردم را از عواقب خطرناک ترک آن آگاه کرده‌اند. در این میان، نقش امام علی - علیه السلام - برجسته‌تر است، چون اولین امامی است که پس از پیامبر - اکرم صلی الله علیه و آله - عهده‌دار اداره امور جامعه شد و توانست حکومت تشکیل دهد.

نگارنده در ادامه، با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به تحقیق درباره جایگاه و اهمیت این فریضه الهی در بیان امام علی - علیه‌السلام - و آثار و پیامدهای ترک آن در جامعه می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

با بررسی‌های انجام‌شده در آثار مکتوب، مطالبی ضمن شروح نهج‌البلاغه و در کتاب‌های فقه الحدیث یافت شد که به طور عام به شرح احادیث و از جمله روایات امام علی(ع) پرداخته‌اند؛ ولی تحقیقی جامع و آکادمیک که به بیان زوایای بحث با روش علمی پرداخته باشد، پیدا نشد. کتاب‌هایی هم که درباره فریضه امر به معروف و نهی از منکر کم و بیش به بحث پرداخته‌اند، نه صرفاً از دیدگاه امام علی(ع)، بلکه به شکل عام بوده است.

هدف تحقیق

در حقیقت هدف این تحقیق هشدار است به کسانی که به این فریضه الهی بی‌اعتنا هستند و اجرای آن را در جامعه کنونی غیرممکن، بلکه آن را مخل آزادی مردم معرفی می‌کنند. برخی معتقدند مردم آزادند که هرگونه می‌خواهند زندگی کنند و کسی حق ندارد آنها را امر و نهی کند. در این پژوهش نشان داده شده که امام علی(ع) و بلکه قرآن و همه امامان(ع) نه تنها برای فریضه امر به معروف و نهی از منکر اهمیت بسیار بالایی قائل هستند، بلکه اجرای آن را ضامن سلامت جامعه می‌دانند. البته انجام این فریضه شرایط و مراتبی دارد که در ادامه بیان می‌شود.

مبانی نظری تحقیق

۱. جایگاه و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام علی(ع)

الف) فضیلت امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از منظر امام علی - علیه‌السلام - با فضیلت‌ترین اعمال بندگان خداوند، غایت دین، قوام شریعت، خلق الهی و بالاتر از جهاد در راه خدا معرفی شده است. سخنان بسیار نغز و گهرباری از آن حضرت در این باره به ثبت رسیده است که در ادامه بیان خواهد شد.

در اینجا چند روایت که به تنهایی بیانگر ارزش و برتری این دو فریضه نسبت به سایر واجبات است، ارائه می‌شود.

حضرت علی - علیه السلام - امر به معروف و نهی از منکر را دو صفت از اوصاف الهی (سید رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۵۶) و از نشانه‌های مؤمن می‌داند و در مقایسه با سایر اعمال انسان‌ها آن را با فضیلت‌ترین اعمال دانسته و فرموده است: «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْخَلْقِ» (آمدی، ۱۳۶۶ش: ۳۳۱). نکته مهم در این حدیث آن است که حضرت «اعمال» را مطلق آورده است و شامل هر نوع عملی از اعمال بندگان خداوند می‌شود. این فریضه از دیدگاه امام علی - علیه السلام - چنان جایگاهی دارد که هدف نهایی دین از نظر ایشان همان امر به معروف و نهی از منکر است: «غَايَةُ الدِّينِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَإِقَامَةُ الْحُدُودِ» (آمدی، ۱۳۶۶ش، ۳۳۲).

حضرت علی - علیه السلام - اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را در مقایسه با جهاد در راه خدا این گونه بیان می‌فرماید: «مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّي» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: حکمت ۳۷۴): همه اعمال نیک و حتی جهاد در راه خدا در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر مثل قطره در مقابل دریاست. بنابراین، از نظر آن حضرت ارزش و فضیلت امر به معروف و نهی از منکر نه تنها از هر عمل و فریضه دینی دیگر بالاتر و برتر است، بلکه چنانچه همه اعمال دیگر را در یک کفه ترازو قرار دهند و امر به معروف و نهی از منکر را در کفه دیگر، وزن کفه مربوط به امر به معروف و نهی از منکر سنگین‌تر خواهد بود. در این مقایسه و موازنه، ارزش و مقدار همه اعمال نیک در مقابل یکی از آنها که امر به معروف و نهی از منکر است، به طور خارق‌العاده‌ای سبک‌تر و پایین‌تر است؛ زیرا نسبت میان آنها، مانند نسبت قطره آب است در مقابل دریا.

بنابراین، اصلاً شأن امر به معروف و نهی از منکر شأن احیای واجبات دیگر و ازاله و ریشه‌کن کردن محرّمات است. این شأن مختص این دو واجب است و هیچ واجب دیگری چنین خصوصیت و نقشی ندارد. البته سایر فرایض به طور غیرمستقیم ممکن است در انجام دادن واجبات و ترک محرّمات نقش داشته باشند، اما ایفای نقش مستقیم در این زمینه از اختصاصات امر به معروف و نهی از منکر است.

در جای دیگری از امام علی - علیه السلام - درباره ایمان سؤال کردند، آن حضرت فرمود: «ایمان بر چهار ستون صبر، یقین، عدل و جهاد استوار است. حضرت در ادامه و در معرفی بیشتر جهاد اضافه می‌کنند: جهاد که از پایه‌های اصلی ایمان است، خود بر چهارگونه انجام می‌گیرد که دو صورت آن امر به معروف و نهی از منکر است ... هر کس امر به معروف را به جای آورد، با مؤمنان همراهی کرده و آنها را نیرومند ساخته است و هر کس نهی از منکر کند در حقیقت، بینی منافقان و افراد دورو را به خاک مالیده است» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵۱/۲).

همچنین امام - علیه السلام - در پاسخ به این شبهه که ممکن است بر اثر امر به معروف و نهی از منکر جان یا رزق و روزی کسی به خطر بیفتد، می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر نه اجل کسی را نزدیک می‌سازد و نه روزی او را کم می‌کند: «إِنَّهُمَا لَا يُقَرِّبَانِ مِنْ أَجَلٍ وَلَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۵۶)، بلکه بر عکس «يُضَاعِفَانِ الثَّوَابَ وَيُعْظِمَانِ الْأَجْرَ» (لیثی، ۱۳۷۶ش: ۱۵۶؛ آمدی، ۱۳۶۶ش: ۱/۲۳۸): همانا امر به معروف و نهی از منکر ثواب را مضاعف و اجر و پاداش را فراوان می‌کند. این گفتار نیز مبین اجر و ثوابی است که به آمر و ناهی داده خواهد شد و پاسخ رد به کسانی است که می‌پندارند امر به معروف و نهی از منکر موجب خطر جانی یا ضرر مالی می‌شود (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ۵۰۲/۴۲).

از این رو، امام - علیه السلام - در موارد گوناگونی به مناسبت‌های متفاوت مردم را به انجام دادن این فریضه انسان‌ساز و جامعه‌ساز تشویق می‌کردند. برای تبیین بیشتر این موضوع چند روایت از امام علی - علیه السلام - در این باره نقل می‌کنیم.

ب) توغیب مردم به امر به معروف و نهی از منکر

در موارد بسیاری امام علی - علیه السلام - مردم را به امر به معروف و نهی از منکر تشویق کرده‌اند. از نظر حضرت عمل به این فریضه برای مردم مصلحت دارد و نوعی ابزار خودکنترلی محسوب می‌شود. ایشان در این باره می‌فرماید: «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةٌ لِلْعَوَامِّ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعٌ لِّلْسُقَّهَاءِ» (صدوق، ۱۴۱۳ق: ۵۶۸/۳): امر به معروف و نهی از منکر برای عموم مردم یک مصلحت است (تا انگیزه آنها را به کارهای خیر زیاد کند) و نهی از منکر برای افراد نابخرد که گرایش به انحراف در آنها زیاد است، وسیله کنترلی قوی‌ای است. امام در موردی دیگر

می فرماید: «عمل کننده به نیکی و بازدارنده از شرّ و بدی باش» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۵/۵۷۶).

از نظر امام سبقت گیری در امر به معروف و نهی از منکر روش صحیح رقابت در زندگی است و از این رو، مردم را به انجام دادن این فریضه تشویق می کند. ایشان به عنوان رهبر الهی که مسئولیت نشان دادن راه های واقعی کمال را به عهده دارد، رقابت صحیح در زندگی را این گونه بیان می کند: «ای مردم اگر به ناچار می خواهید با هم رقابت کنید، پس چه بهتر که در برپایی حدود الهی و امر به معروف بر هم پیشی بگیرید و سعی کنید هر یک از شما بیشتر و بهتر از دیگری در این عرصه بکوشد.»

به همین دلیل، آن هنگام که مردم مصر در مقابل ستم، فساد و تباهی ایستادگی و از رهبران خود درخواست کردند که احکام الهی را رعایت و از ستم خودداری کنند، این کار آنها - که مصداق کامل امر به معروف نهی از منکر بود - موجب خشنودی امام علی علیه السلام شد. از این رو، آن حضرت هنگامی که مالک اشتر را به عنوان استاندار مصر به آن سرزمین فرستادند، طی نامه ای از کار آنها قدردانی کردند. حضرت در آن نامه فرمود: «این نامه از بنده خدا علی امیرالمؤمنین به سوی آن دسته از مردم مصر است که برای خدا به خشم آمدند، در آن هنگام که در زمین خدا نافرمانی می شد، حقّ خدا رعایت نمی شد، ستم در همه جا شایع بود و نه به معروف عمل می شد و نه از منکر و زشتی جلوگیری به عمل می آمد...»

در جای دیگری امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - در ضمن وصایایی به فرزندش محمد حنفیه فرمود: «امر به معروف را پیشه ساز تا اهل معروف باشی و با نیکان محشور شوی، زیرا تکمیل همه امور نزد خداوند امر به معروف و نهی از منکر است» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۶/۱۲۳؛ همو، ۱۴۱۴ق: ۵/۵۷۶).

ج) امر به معروف و نهی از منکر معیار سنجش سایر اعمال

گاهی در بیانات حضرت علی علیه السلام، به عبارت هایی برمی خوریم که در آنها حضرت در مقام بیان اهمیت و ارزش امری است و برای اثبات ارزش آن امر، از معیار امر به معروف و نهی از منکر استفاده کرده است. برای نمونه در حدیثی می فرماید: «اعْرِفُوا اللَّهَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولَ بِالرَّسَالَةِ وَ

أولى الأمر بالأمر بالمعروف والعدل والاحسان» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۸۵/۱): خداوند را با خداوند و رسول را با رسول و اولی الامر را با امر به معروف و عدل و احسان بشناسید. این روایت که در آن امیرالمؤمنین - علیه السلام - برای شناخت اموری معیارهایی ارائه فرموده است، نشان می‌دهد که امر به معروف آن‌چنان اهمیت، قدر و منزلت دارد که برای شناخت اولی الامر باید به عنوان ملاک و معیار از آن استفاده کرد.

امام در حدیث دیگری یکی از معیارهای شناخت انسان عاقل را، امر به معروف و نهی از منکر می‌داند: «العقل مُتْرَةٌ عَنِ الْمُنْكَرِ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ» (آمدی، ۱۳۶۶ش: ۳۳۱): عقل، بازدارنده از منکر و امرکننده به معروف است. عقل، این ودیعه الهی نزد انسان‌ها که ملاک و ابزار اصلی راه‌یابی و وصول انسان‌ها به هدایت و شناخت است، با معیار امر به معروف و نهی از منکر سنجیده می‌شود و چنانچه کسی این دو خصوصیت را نداشته باشد، باید حکم کرد که فاقد عقل است یا اینکه عقلش معیوب است. برای امر به معروف و نهی از منکر چه ارزش و مقامی بالاتر از اینکه، از آن به عنوان معیار سنجش عقل سالم از عقل ناسالم بهره گرفته شده است.

در جای دیگر امام، «دین» و «شمشیر» را، که اولی برای هدایت و رأفت نسبت به آدمیان و دومی برای قهر و عذاب طاغیان نهاده شده‌اند، از آن جهت ارزشمند و معتبر می‌شمارد که اینان امر به معروف و ناهی از منکرند. در حدیث آمده است: «السَّيْفُ فَاتِقٌ وَالذِّينُ رَاتِقٌ فَالذِّينُ يُأْمَرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالسَّيْفُ يُنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ ...» (آمدی، ۱۳۶۶ش: ۳۳۱): شمشیر بازکننده گره‌ها و دین، سامان‌دهنده امور است. پس دین، امر به معروف می‌کند و شمشیر، نهی از منکر می‌نماید. «رتق» و «فتق» در لغت ضد هم هستند. اولی به معنای بسته و ضمیمه هم بودن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۴۱) و دومی به معنای جدایی و باز بودن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۹۶/۱۰). بنابراین، راتق به معنی عاقد (گره زن) و فاتق به معنای حال (بازکننده گره) است. امر به معروف و نهی از منکر هم به این شیوه، رتق و فتق امور جامعه اسلامی را به عهده می‌گیرند و در صورت تعطیلی این دو فریضه مشکلات حل نمی‌شود و نابسامانی‌ها سامان نمی‌گیرد.

۲. شرایط امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام علی(ع)

امر به معروف و نهی از منکر تنها با وجود برخی شرایط واجب است و در صورت نبود آن شرایط تکلیف ساقط می‌شود. این شرایط عبارت‌اند از:

الف) کسی که امر یا نهی می‌کند، بداند آنچه را که دیگری انجام می‌دهد حرام است و آنچه را ترک کرده، واجب است، پس هر کس نمی‌داند این عمل که او انجام می‌دهد حرام است یا نه جلوگیری واجب نیست؛

ب) احتمال بدهد امر یا نهی او تأثیر دارد، بنابراین اگر می‌داند تأثیر ندارد، امر و نهی واجب نیست؛

ج) شخص گناهکار اصرار بر ادامه کار خود داشته باشد، پس اگر معلوم شود، یا گمان کند، یا احتمال صحیح بدهد گناهکاری بنای ترک عمل را دارد و دوباره تکرار نمی‌کند، یا موفق به تکرار نمی‌شود، امر و نهی واجب نیست؛

د) امر و نهی، سبب ضرر جانی یا آبرویی یا ضرر مالی قابل توجه، به خودش یا نزدیکان و همراهان، یا سایر مؤمنان نباشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۰۱/۳).

از نظر امام علی - علیه السلام - امر به معروف و نهی از منکر علاوه بر موارد پیشین شرایط دیگری نیز دارد که با وجود این شرایط، امر و نهی در جامعه تأثیرگذاری بیشتری دارد. مهم‌ترین این موارد عبارت‌اند از:

الف) تعلیم و تزکیه یافتن آمر و ناهی پیش از امر به معروف و نهی از منکر

از اولین شرایط امر و نهی دیگران داشتن علم و آگاهی به همراه تزکیه نفس است. اگر کسی خود به طور صحیح معروف و منکر را نشناسد، نمی‌تواند دیگران را امر و نهی کند و چه بسا راه را خطا نشان دهد و نتیجه عکس داشته باشد. از این رو، معصومان - علیهم السلام - و به ویژه امام علی - علیه السلام - اولین شرط امر به معروف و نهی از منکر را تعلیم و تأدیب شخص آمر و ناهی دانسته‌اند. امام در این باره فرموده‌اند: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ»: «کسی که خود را در مقام پیشوایی و امام مردم قرار می‌دهد، باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران پردازد، به تعلیم خویش پردازد؛ و باید تأدیب کردن او به عملش، پیش از تأدیب کردن به زبانش باشد و معلم خود بودن بسیار بالاتر و بهتر است از اینکه معلم دیگران باشید» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق: حکمت ۷۳).

ب) عامل به معروف و منهی از منکر بودن پیش از امر و نهی دیگران

از نظر امام علی - علیه السلام - کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند باید در درجه اول خود به معروف عمل کند و از منکرات منهی باشد. از نظر امام، فردی که مردم را به چیزی امری کند، ولی خود آن را به جا نمی آورد و از چیزی باز می دارد ولی خود آن را ترک نمی کند، چنین فردی گمراه است. در جای دیگری در یکی از خطبه هایش مردم را نصیحت می کند و با آنها از ناپایداری دنیا سخن می گوید و سفارش می کند که وظایف خود را به طور دقیق انجام دهند و سپس در قسمتی از آن خطبه می فرماید: «لَعَنَ اللَّهُ الْأَمْرِينَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِينَ لَهُ وَالنَّاهِينَ عَنْهُ» خدا لعنت کند کسانی را که امر به معروف می کنند، ولی خود به آن پایبند نیستند و نهی از منکر می کنند، ولی خود مرتکب آن می شوند (سیدرضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۲۹ و خطبه ۱۰۵). از همین رو امام خود را اولین عامل به معروف و منهی از منکر معرفی کرده است و در این باره می فرماید: «ای مردم! به خدا من شما را به طاعتی بر نمی انگیزم، جز آنکه خود پیش از شما به گزاردن آن برمی خیزم، و شما را از معصیتی باز نمی دارم، جز آنکه خود پیش از شما آن را فرومی گذارم» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۷۵).

روایات منقول از امام علی - علیه السلام - در این باره بسیار زیاد است. در ادامه چند روایت

دیگر ارائه می شود:

- شخصی از امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - موعظه خواست، امام فرمود: «لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَنْهَى وَلَا يَنْتَهَى وَيَأْمُرُ بِمَا لَا يَأْتِي، يَحِبُّ الصَّالِحِينَ وَلَا يَعْمَلُ عَمَلَهُمْ، وَيَبْغِضُ الْمُنْذِنِينَ وَهُوَ أَحَدُهُمْ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق: حکمت ۱۵۰): «نباش همانند کسانی که دیگران را از کار بد نهی می کنند، اما خود نهی نمی پذیرد و به دیگران امر می کند، اما خودش عمل نمی کند. نیکان را دوست می دارد، اما عمل آنها را انجام نمی دهد و گنهکاران را دشمن می دارد، اما خود یکی از آنهاست.»

- «يَقْبَحُ عَلَى الرَّجُلِ أَنْ يَنْكَرَ عَلَى النَّاسِ مَنَكَرَاتٍ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الرَّذَائِلِ وَسَيِّئَاتٍ، وَإِذَا خَلَا بِنَفْسِهِ ارْتَكَبَهَا وَلَا يَسْتَنْكِفُ مِنْ فِعْلِهَا» (آمدی، ۱۳۶۶ش: ۸۱۱): «برای انسان بسی زشت است که زشتی های مردم را زشت شمارد و آنها را از گناهان و پستی ها منع کند، لکن وقتی که خودش تنها می شود، همان زشتی ها را مرتکب شود و از کارش دست نکشد.»

- «كَيْفَ يَصْلَحُ غَيْرُهُ مَنْ لَا يَصْلَحُ نَفْسَهُ» (آمدی، ۱۳۶۶ش: ۵۱۷): «آن کس که خودش را

اصلاح نکرده است، چگونه غیر خود را می تواند اصلاح کند».

«كُنْ أَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَعَامِلًا بِهِ وَلَا تَكُنْ مِمَّنْ يَأْمُرُ بِهِ وَيَنْهَى عَنْهُ فَيُبَوِّءُ بِإِثْمِهِ وَيَعْرَضُ لِمَقْتِ رَبِّهِ» (نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۲/۲۰۶): «همیشه مردم را به معروف و نیکی امرکننده و خودت آن را به جای آورنده باش. نکند که تو از کسانی باشی که مردم را به نیکی وادارنده و خودت از آن دورشونده باشی، در این صورت خود گرفتار گناه آن شده و مورد خشم پروردگارت قرار خواهی گرفت.»

ج) بردبار بودن آمر به معروف و ناهی از منکر

در همه کارهای اجتماعی، به ویژه در عرصه فرهنگی که امر به معروف و نهی از منکر را نیز شامل می شود، مشکلات هست. جاهلان بی منطق، سفیهان بی خرد، مخالفان لجوج، معاندان متعصب، دشمنان مغرض، سودپرستان سلطه جو و گناهکاران آلوده و خودخواه، برخی مواقع نه تنها تسلیم نمی شوند، بلکه در صدد اذیت و آزار آمر به معروف و ناهی از منکر برمی آیند، در چنین حالتی، «صبر» تنها وسیله رسیدن به هدف است.

از این رو، امام (ع) می فرماید: «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ، وَانْكُرِ الْمُنْكَرَ بِيَدِكَ وَلسَانِكَ ... لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَاتِمٌ وَخُضِّ الْعَمْرَاتِ لِلْحَقِّ حَيْثُ كَانَ» (ابن طاووس، ۱۳۷۵ش: ۲۲۲): «امر به معروف کن تا خود اهل آن معروف باشی و با دست و زبانت منکر را انکار نما ... و هرگز سرزنش سرزنش گران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد؛ و در دریای شداید و مشکلات در راه حق هر جا که باشد، فرو رو (تحمل کن)». امام علیه السلام همچنین صبر در آیه «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان / ۱۷) را به صبر و بردباری در برابر آزار و اذیت سرزنش کنندگان تفسیر کرده اند (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۸/۵۰۰).

۳. مراتب امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام علی (ع)

انجام دادن این فریضه بزرگ الهی مراتب و درجاتی دارد که به ترتیب عبارت اند از:
الف) مرحله انکار و انزجار قلبی: اولین درجه و مرتبه نهی از منکر، اعراض یا انکار قلبی است. در این مرتبه ناهی از منکر با رفتار خود نشان می دهد که از انجام آن کار ناخرسند است و

آن را نمی‌پسندد، و اگر احتمال تأثیر این مرحله برود، نوبت به مرحله دوم که مرحله زبانی است نمی‌رسد.

ب) مرحله زبانی: در صورتی که مرحله اول مؤثر نباشد، لازم است ناهی از منکر با زبان تذکر دهد، زیرا ممکن است عامل به منکر به دلیل جهالت و نادانی و تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات، احتیاج به مربی، هادی، راهنما و معلم داشته باشد تا با او تماس بگیرد و با کمال مهربانی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد تا معایب و مفاصد را برایش تشریح کند تا آگاه شود و بازگردد.

ج) مرحله عملی: اگر دو مرحله قبلی کارایی نداشته باشند، باید از زور و قدرت استفاده شود. بدین معنا که با اعمال فشار جلو انجام دادن گناهان گرفته و بین شخص و گناه مورد نظرش فاصله ایجاد شود. در این مرحله نیز باید از مراتب سبک‌تر شروع شود؛ اما در فرضی که بازداري از گناه متوقف بر کتک‌کاری و ایجاد جراحت و امثال آن باشد، باید با اذن فقیه جامع‌الشرایط انجام گیرد (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۵) و در شرایط فعلی که نهادهای قانونی جمهوری اسلامی شکل گرفته است، چنین کاری باید با اجازه نهادهای مربوط باشد.

آنچه در این باره گفته شد در کلامی از امام - علیه السلام - چنین بیان شده است: «ای مؤمنان! آنکه بیند ستمی می‌راندند یا مردم را به منکری می‌خوانند و او به دل خود آن را نپسندد، سالم مانده و گناه نورزیده و آنکه را به زبان انکار کرد، مزد یافت و از آنکه به دل انکار کرد برتر است و آنکه با شمشیر به انکار برخاست تا کلام خدا بلند و گفتار ستمگران پست شود، او کسی است که راه رستگاری را یافت و بر آن ایستاد و نور یقین در دلش تافت» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: حکمت ۳۷۳). در کلامی دیگر چنین گفته است: «از مردمان کسی است که کار زشت را ناپسند می‌شمارد و به دست، زبان و دل خود آن را خوش نمی‌دارد؛ چنین کسی خصلت‌های نیک را به کمال رسانده است و از آنان کسی است که به زبان و دل خود انکار کند و دست به کار نبرد، چنین کس دو خصلت از خصلت‌های نیک را گرفته و خصلتی را تباه ساخته است، و از آنان کسی است که منکر را به دل زشت می‌دارد و به دست و زبان خود بر آن انکار نیارد، چنین کسی دو خصلت برتر از میان آن سه را از دست داده است و کسی که همه را ترک کرده مرده‌ای است میان زندگان ...» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: حکمت، ۳۷۴؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ۶/۱۸۱؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۸۰۸).

در جای دیگر امام - علیه السلام - درباره کمترین مرتبه امر به معروف و نهی از منکر می فرماید: «أَدَّتِي الْإِنكَارَ أَنْ يُلْقَى أَهْلُ الْمَعَاصِي بِوَجْهِ مُكْفَهَرَةٍ»، کمترین حد انکار گناه (و نهی از منکر) آن است که با مردم گناهکار با ترش رویی برخورد کنید (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۶/۱۷۷). تأکید امام بیشتر بر مرتبه عمل است و لذا می فرماید: «... وَلَيْكُنْ تَأْدِيَةُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيَةِ بِلِسَانِهِ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق: حکمت ۷۳): و باید تأدیب کردن او به عملش، پیش از تأدیب کردن به زبانش باشد.

کلام امام - علیه السلام - در اینجا مطابق ظاهر اطلاق کلام، هم رئیس حکومت بر مردم را شامل می شود و هم تمام کسانی را که به نوعی ارشاد و هدایت مردم را برعهده می گیرند. این جمله اشاره به یک واقعیت مسلم عقلانی است که تا انسان خودش چیزی نداشته باشد، نمی تواند به دیگران اهدا کند.

نتایج اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه از دیدگاه امام علی (ع)

با بررسی روایات امام علی - علیه السلام - درباره امر به معروف و نهی از منکر می توان به نتایج انجام دادن این فریضه بزرگ جامعه ساز از دیدگاه امام علی - علیه السلام - اشاره کرد. این روایات علاوه بر اینکه فضیلت و شرافت این فریضه را اثبات می کنند، از زاویه دیگری به نتایج و پیامدهای مثبت اجرای آن در جامعه اشاره دارند.

از نظر امام علی - علیه السلام - انجام دادن این فرضیه اجتماعی موجب اصلاح جامعه می شود. ایشان در این باره می فرمایند: «خداوند متعال فرمان دادن به کارهای پسندیده را برای اصلاح عوام و سوق دادن آنها به راه رستگاری و سعادت واجب کرد. همین طور نهی از منکر و باز داشتن از کارهای ناپسند را واجب فرمود تا از کارهای ناشایست و ارتکاب معاصی کم خردان جلوگیری شود.» در جای دیگری آورده اند: «خداوند امر به معروف را برای اصلاح کار همگان و نهی از منکر را برای بازداشتن بی خردان واجب گردانید» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: حکمت ۲۵۲).

جامعه صالح نیز پایایی بیشتری دارد، و در نتیجه، مردم در سلامت بیشتری به سر می برند. این مطالب در کلامی دیگر از امام روایت شده است که فرمود: «هر که در او سه چیز وجود داشته

باشد، دنیا و آخرتش سالم خواهد بود: اول، اینکه امر به معروف کند و اگر کسی او را به معروف امر کرد، آن را بپذیرد. دوم اینکه از کارهای زشت نهی کند و خود نیز از مرتکب شدن منکر پرهیزد و سوم آنکه حدود خدا را رعایت کند (نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۲/۲۰۶). در جامعه صالح قوام شریعت نیز بیشتر و موجب تقویت بنیه مؤمنان می‌شود. از نظر امام «هر که امر به معروف کند، مؤمنان را تقویت کرده و پشت آنها را محکم ساخته است و کسی که نهی از منکر کند، بینی منافقان را به خاک مالیده است» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵۱/۲).

همچنین از حضرتش در ارتباط با ایمان سؤال شد، پاسخ داد: «ایمان بر چهار پایه استوار است: شکیبایی، باور، عدالت و جهاد، سپس هر یک را به چهار قسم تقسیم می‌کند تا اینکه درباره جهاد می‌گوید: جهاد را چهار شعبه است که دو قسم آن امر به معروف و نهی از منکر است. آن کس که به امر به معروف برخاست، مردم مؤمن را توانا کرد و هر کس نهی از منکر کرد، بینی منافقان را به خاک ذلت رساند» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵۱/۲).

از نتایج دیگر انجام دادن این فریضه در جامعه این است که امر به معروف و ناهی از منکر در ردیف اهل ایمان به شمار می‌آیند. امام علی - علیه السلام - در حدیثی فرموده است: «وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: نامه ۳۱؛ ابن میثم، ۱۳۶۶ش: ۵۸۳). برابر این روایت که حضرت آن را خطاب به فرزند گرامی‌اش امام حسن مجتبی - علیه السلام - نوشته‌اند، از جمله آثار مثبت امر به معروف آن است که شخص «آمر» در زمره افراد نیکوکار جامعه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، اولین فایده امر به معروف به خود امرکننده می‌رسد؛ زیرا طبعاً انسان خردمندی که به اصلاح دیگران همت می‌گمارد و آنان را به کارهای نیک فرامی‌خواند، در وهله اول خودش از آن متأثر می‌شود و آن را به کار می‌بندد. در نتیجه امر به معروف، خودش را هم تعلیم و آموزش می‌دهد و از خطاها و اشتباهات احتمالی خود نیز جلوگیری می‌کند. البته اگر چنین نباشد و از پند و اندرزهایی که به دیگران می‌دهد، خودش استفاده نکند و به آنها بی‌توجه باشد، سخت مورد سرزنش امیرالمؤمنین - علیه السلام - است.

پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام علی(ع)

ترک امر به معروف و نهی از منکر در جامعه نتایج و پیامدهای ناگواری در جامعه به وجود

می آورد و باعث عقب ماندگی اجتماع و حتی سقوط آن می شود. اهمیت این امر زمانی روشن می شود که بر اثر ترک امر به معروف و نهی از منکر، فردی از افراد جامعه گمراه و منحرف شود؛ زیرا از نظر قرآن گمراهی یک نفر معادل گمراهی تمام افراد جامعه است. قرآن کریم می فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (المائده/ ۳۲): هر کس انسان دیگری را، نه به قصاص قتل کسی یا ارتکاب فسادی بر روی زمین، بکشد، چنان است که همه مردم را کشته باشد و هر کس که به او حیات بخشد، چون کسی است که همه مردم را حیات بخشیده باشد.

ترک امر به معروف و نهی از منکر رفته رفته انسان را نسبت به دستورات الهی سست و بی اعتقاد خواهد ساخت. انسانی که بیند دیگران احکام الهی را زیر پا می گذارند و آزادانه محرمات الهی را مرتکب می شوند و هیچ کوششی برای جلوگیری از رفتار حرام آنها انجام نمی شود، کم کم نسبت به شیوع محرمات الهی در جامعه بی تفاوت خواهد شد. لازمه دینداری واقعی این است که انسان احساسات و عواطف خود را در راستای دین خود صادقانه به کار گیرد و با دینداران دوستی و با دشمنان دین خصومت ورزد. این چنین است که امر به معروف و نهی از منکر با ایمان و دینداری پیوندی ناگسستنی دارد.

از بعد اجتماعی نیز ترک امر به معروف و نهی از منکر تأثیرات منفی بر پیکره جامعه برجای می گذارد؛ زیرا جامعه مجموعه ای به هم پیوسته است و تفکیک و جداسازی افراد آن میسر نیست. مجموعه رفتارهای اجتماعی افراد هر جامعه اخلاق عمومی آن جامعه را به وجود می آورد و رفتار اجتماعی هیچ انسانی را نمی توان بی تأثیر در جامعه دانست. رفتارهای اجتماعی نیک، آثار مثبت در جامعه می گذارد و برعکس، رفتارهای اجتماعی زننده و زشت، جو مسموم و مسموم کننده ای در جامعه به وجود می آورد. به همین دلیل، ترک امر به معروف و نهی از منکر، رفته رفته زمینه ترک کارهای نیک و انجام دادن کارهای زشت و ناروا را در جامعه پدید می آورد؛ زیرا میل به انجام دادن معاصی الهی و مفاسد اخلاقی در همه افراد وجود دارد اما به علل گوناگون، مانند حیا و علاقه به حفظ احترام و اعتبار اجتماعی، عموماً از انجام دادن آن خودداری می شود. ولی وقتی که عده ای در جامعه مرتکب رفتارهای زشت و فسادانگیز شدند و کسی معترض آنها نشد، افراد دیگر جسارت پیدا می کنند و رفته رفته به این اعمال مبادرت خواهند کرد و بدین ترتیب، فساد اخلاقی

سراسر جامعه را فراخواهد گرفت.

جامعه‌ای که در آن به این تکلیف الهی عمل نمی‌شود، رحمت الهی از این جامعه زایل شده، عذاب و عقوبت الهی، دامن‌گیر آن خواهد شد. حتی اگر اکثر افراد جامعه اهل نیکی باشند، چون ترک این واجب الهی خود از بزرگ‌ترین منکرات است، بنابراین همه افراد جامعه گرفتار غضب الهی خواهند شد.

به طور کلی رواج امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، عزت مؤمنان و جامعه اسلامی را در پی دارد و زوال آن، ذلت و خواری دین خدا و اهل ایمان را به دنبال خواهد داشت. در ادامه برخی از آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر را در کلام امام علی - علیه السلام - مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. از دست دادن نیروی تشخیص

از آثار بسیار خطرناک ترک امر به معروف و نهی از منکر آن است که قدرت تشخیص امور و تمایز حق و باطل از انسان گرفته می‌شود. ابوجحیفه، از یاران مورد اعتماد علی علیه السلام، می‌گوید: «شنیدم که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره امر به معروف و نهی از منکر می‌فرمود: «بر اثر دور ماندن از رحمت الهی اول چیزی که از آن محروم می‌شوید، جهاد با دست است، سپس با زبان و بعد از آن جهاد با قلب‌هایتان است». آن‌گاه فرمود: «کسی که حتی با قلبش به طرفداری از نیکی‌ها و مبارزه با منکرات برنخیزد، قلبش واژگون می‌شود و توان تشخیص نیک و بد را از دست می‌دهد» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: حکمت ۳۷۵).

۲. نفاق و دورویی

صفت نفاق از پست‌ترین اوصافی است که در هر جامعه و ملیتی نكوهیده است. نفاق می‌تواند در شکل‌های گوناگونی تجلی یابد که یکی از آنها در بیان امام علی (علیه السلام) آمده است. در این باره امام فرموده است: آشکارترین نفاق این است که فردی به طاعت خدا و معروف امر کند، ولی خود عمل نکند و مردم را از معصیت باز دارد، ولی خود آنها را انجام دهد (نوری، ۱۴۰۸ق: ۲۰۷/۱۲).

آشکارترین علامت نفاق، همان است که در خطاب الهی به مسلمانان صدر اسلام آمده است: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (الصف / ۲): چرا چیزی را می‌گویید ولی خود عمل نمی‌کنید. در آیه بعد، این عمل را نزد خداوند عملی نابخشودنی و سنگین معرفی می‌کند: «كَبْرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»، (الصف / ۳): نزد خدا بسیار نفرت‌انگیز است که چیزی را بگویید که عمل نمی‌کنید.

در حقیقت، اگر کسی را امر و نهی کنیم و خودمان عمل نکنیم، با این عمل ظاهرسازی کرده‌ایم که از نظر حضرت علی (علیه‌السلام) از بارزترین علامات نفاق شمرده می‌شود. امام کسی که دیگران را به نماز، روزه، جهاد و تقوا سفارش می‌کند، اما خود به هیچ‌یک پایبند نیست، آشکارترین منافق نامیده است.

منافق آنچه را نهی کرده بود، مرتکب می‌شود، یا آنچه را بدان فرمان داده بود، بر اثر کسالت و سستی از یاد می‌برد. چنین کسانی که مدعی دروغین پاکی و اخلاق‌اند و پرچم مقدس امر به معروف و نهی از منکر را دستاویز پنهان داشتن نهان خود می‌کنند، به گفته حضرت از بارزترین مصداق‌های منافقان‌اند: «أَظْهَرَ النَّاسِ نِفَاقًا مَنْ أَمَرَ بِالطَّاعَةِ وَكَمْ يَعْمَلُ بِهَا وَنَهَى عَنِ الْمَعْصِيَةِ وَكَمْ يَنْتَهِي عَنْهَا» (آمدی، ۱۳۶۶ ش، ۴۵۸): آشکارترین منافق کسی است که به اطاعت خدا فراخواند و خود بدان عمل نکند و از معصیت بازدارد و خود از آن دست نکشد.

تذکر این نکته ضروری است که اگرچه در اینجا فرد در ظاهر امر به معروف و نهی از منکر کرده است، در واقع برای ظاهرسازی این کار را کرده و حقیقتاً قصد امر و نهی نداشته است. به همین دلیل، آن را ذیل عنوان ترک امر به معروف و نهی از منکر بیان کردیم.

علاوه بر این، در حدیثی که از امام - علیه‌السلام - درباره پایه‌های ایمان نقل شده است، آن حضرت جهاد را یکی از ستون‌های ایمان برشمرده و امر به معروف و نهی از منکر را دو گونه از انواع آن دانسته است. سپس ایشان نتیجه انجام دادن امر و نهی در جامعه را چنین دانسته است: «هر که امر به معروف را به جای آورد، با مؤمنان همراهی کرده و آنها را نیرومند ساخته است و هر که نهی از منکر کند در حقیقت، بینی منافقان و افراد دورو را به خاک مالیده است» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۵۱ / ۲).

۳. به شمار آمدن در گروه بدان اُمت

در برخی روایات تارک امر به معروف و نهی از منکر بدترین قوم معرفی شده‌اند؛ از جمله در روایتی امام باقر می‌فرماید: «بُسَّ الْقَوْمُ قَوْمٌ يَعْبُونَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۵/۵۷): چه بد قومی هستند آنانی که آمران به معروف و ناهیان از منکر را سرزنش و عیب‌جویی می‌کنند. امام علی - علیه‌السلام - نیز در روایتی که پیشتر گذشت؛ نتیجه ترک امر به معروف و نهی از منکر را تسلط اشرار بر امت اسلامی دانست و مردم را از آن برحذر داشت.

۴. شریک شدن در گناه دیگران

از دیگر پیامدهای منفی ترک امر به معروف و نهی از منکر، شریک شدن انسان‌ها در معاصی اهل گناه است، زیرا سکوت در مقابل گناهکار به منزله تأیید عمل اوست. وقتی شخص مجرم مشاهده کند دیگران در مقابل رفتار نادرست او واکنش نشان نمی‌دهند، در انجام دادن محرمات الهی جرأت پیدا می‌کند. به طور کلی هر کس با عده‌ای در رفتارشان موافق باشد و به اعمال آنها رضایت داشته باشد، اگرچه در عمل، آنها را یاری نکند، از آنان محسوب می‌شود و رضایت قلبی او نسبت به فعل گناه، او را نزد خدا شریک جرم معصیت‌کاران قرار می‌دهد. بنابراین، هر مسلمانی وظیفه دارد برای رهایی از شرکت در گناه اهل معصیت، در صورت مشاهده خلاف، اگرچه قدرت جلوگیری از منکر را نداشته باشد، دست کم با زبان نهی از منکر و مخالفت و ناراحتی خود را ابراز کند. این وظیفه‌ای است که به ویژه در محیط زندگی انسان باید به آن توجه خاص شود تا اهل معصیت جرأت تکرار عمل خلاف را پیدا نکنند. امام علی - علیه‌السلام - در این باره می‌فرماید: «مَنْ لَهٗ جَارٌ وَ يَعْمَلُ بِالْمَعَاصِي فَلَمْ يَنْهَهُ فَهُوَ شَرِيكُهُ» (دیلمی، ۱۴۱۲ ق: ۱/۱۸۳): هر کس همسایه‌ای داشته باشد که اهل معصیت است و او را نهی نکند، در گناه او شریک است. در جایی دیگر می‌فرماید: «مَنْ اسْتَحْسَنَ قَبِيحًا كَانَ شَرِيكًا فِيهِ»: هر کس کار ناپسندی را نیکو بشمارد در جرم آن شریک است (و گرفتار عذاب الهی می‌شود) (اربلی، ۱۳۸۱ ق، ۲/۳۴۹).

۵. تسلط اشرار بر جامعه و مستجاب نشدن دعای بندگان

وقتی امام علی - علیه‌السلام - در بستر شهادت قرار گرفتند، به امام حسن و امام حسین - علیهم‌السلام - سفارش‌های بسیاری درباره رعایت احکام و مقررات اسلامی و نیز نحوه

شرکت در فعالیت‌های اجتماعی کردند. از جمله این سخنان، سفارش به امر به معروف و نهی از منکر بود. امام - علیه السلام - در قسمتی از این مطالب می‌فرماید: از تشویق همدیگر به انجام کارهای شایسته و بازداشتن از ارتکاب کار زشت خودداری نکنید و بدانید که اگر این کار را ترک کنید، بدکاران بر شما مسلط می‌شوند. وقتی آنها مسلط شوند، هر اندازه دعا کنید دعای شما قبول نمی‌شود (سید رضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۴۷). همانند این حدیث از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - نیز نقل شده است (صدوق، ۱۳۷۶ش: ۲۵۴).

۶. دوری از رحمت خدا و کم شدن برکات از جامعه

از دیگر پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر گرفتار شدن به خشم الهی است. رحمت عامه الهی شامل همه انسان‌ها می‌شود و رحمت خاص پروردگار فقط مخصوص بندگانی است که اهل اطاعت و بندگی هستند و دستورات او را کاملاً اجرا می‌کنند. همچنین دیگران را به انجام دادن وظایف ترغیب و از محرّمات تحذیر و نهی می‌کنند و در نتیجه، نزد پروردگار عالم از ارج و قرب خاصی برخوردارند. اما کسانی که به این واجب الهی عمل نمی‌کنند، از رحمت خاص الهی بی‌بهره هستند و غضب الهی را برای خود خریده‌اند. بدتر از این افراد کسانی هستند که امر به منکر و از خوبی‌ها نهی می‌کنند. اینان منفورترین اعمال را انجام می‌دهند و نزد خدا مغضوب‌اند. خشنود بودن به انجام دادن عمل زشت توسط مردم و ترک نهی از منکر باعث می‌شود که انسان گرفتار عذاب خداوند شود. معصومان - علیهم السلام - همواره به این مهم تذکر داده و به مردم دستور داده‌اند که نه تنها از انجام معصیت راضی نباشند بلکه نهی از منکر نیز انجام دهند. امام علی - علیه السلام - در این باره در خطبه ۲۰۱ نهج البلاغه می‌فرماید: «أبها الناس: إنما يجمعُ الناسَ الرضى و السخطُ، و إنما عقرَ ناقَهَ ثمودَ رجُلٌ واحدٌ فَعَمَّهمُ اللهُ بالعذابِ كما عمَّوهُ بالرضى فقالَ سبحانَهُ: فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نادِمينَ»: «ای مردم! رضایت و نارضایتی بر عملی، موجب وحدت پاداش و کیفر مردم می‌شود یعنی عاملان و کسانی که راضی به آن عمل‌اند، در کیفر یا پاداش شریک‌اند. ناقه صالح را یک نفر بیشتر پی نکرد، اما عذاب و کیفر آن، همه قوم ثمود را فراگرفت؛ زیرا همه به عمل او راضی بودند. از این رو، خداوند سبحان این عمل را به همه نسبت می‌دهد و می‌فرماید: آن را پی کردند، ولی پشیمان شدند.»

در واقعه صفین فردی نزد امام می‌آید و از ایشان می‌خواهد که به کوفه برگردد، ولی امام قبول نمی‌کند و دلیل آن را کفر آشکارا در شام و معصیت خدا در آنجا بیان می‌کند. از این رو، امام نمی‌تواند در برابر انجام دادن معاصی سکوت کند. ایشان می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَرْضَ مِنْ أَوْلِيَائِهِ أَنْ يُعْصَى فِي الْأَرْضِ وَهُمْ سُكُوتٌ مُذْعِنُونَ لَا يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ق: ۴۷۴): «همانا خدای تعالی خشنود نیست از دوستانش که در زمین، مردم از خدا نافرمانی کنند و آنان خاموش باشند و با سکوت اقرار به آن معاصی کنند، نه امر به معروفی کنند و نه نهی از منکری نمایند.»

امام با این بیان نشان می‌دهد که نباید در برابر معصیت خدا سکوت کرد، و گرنه تفاوتی بین عامل معصیت و کسی که به آن راضی است، وجود ندارد. در نتیجه، هر دو گرفتار عذاب خداوند می‌شوند. در روایات فراوان دیگری که از معصومان دیگر نقل شده است، همین مطلب تأیید می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۴/۱۴).

یکی از طولانی‌ترین و معروف‌ترین خطبه‌های نهج البلاغه خطبه «قاصعه» است. در قسمتی از آن، امام دانشمندانی را که قوم خود را از انجام دادن معاصی نهی نمی‌کنند، سرزنش می‌کند و یادآور می‌شود که چنین افرادی مورد لعنت خداوند قرار می‌گیرند و جامعه را به نابودی می‌کشند. امام می‌فرماید: «فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَلْعَنِ الْقُرُونَ الْمَاضِيَةَ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ إِلَّا لِتَرْكِهِمُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلَعَنَ اللَّهُ السُّفَهَاءَ لِرُكُوبِ الْمَعَاصِي وَالْحُلَمَاءَ لِتَرْكِ التَّنَاهِي» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۹۲): خداوند مردم قرون گذشته را مورد لعن قرار نداد، مگر اینکه امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند و سفهاء به دلیل معصیت کاری و دانشمندان و علماء به علت ترک نهی از منکر مورد لعن قرار گرفتند.

بنابراین حدیث، دو دسته در قرآن مورد مذمت هستند: یکی خود مردم که عصیان می‌کنند و دیگری، علمای آنان که نهی از منکر نمی‌کنند. در جامعه کنونی نیز اگر علما و دانشمندان شاهد و ناظر مفاسد شایع در اجتماع باشند و سکوت کنند، همان مذمت و لعن مشمول آنان نیز خواهد شد. لذا وظیفه‌ای سنگینی برعهده حوزه‌های علمیه، دانشگاهیان و مسئولان جامعه است که با هنجارشکنان و متجاوزان به حدود الهی برخورد کنند؛ زیرا براساس روایتی که از امیرالمؤمنین -

علیه السلام - نقل شد، اگر کسی در برابر فساد شایع سکوت کند، مذمتی که قرآن بیان می کند برای او نیز خواهد بود و عواقب آن جامعه را نیز دربر می گیرد (اسکافی، ۱۴۰۲ق: ۲۷۵).

۷. انحطاط و سقوط جامعه

بر اساس گزارش تاریخ، اقوام فراوانی در طول تاریخ به دلایل گوناگون، از جمله عدم امر به معروف و نهی از منکر هستی شان به نیستی تبدیل شده است. حضرت علی - علیه السلام - این مسئولیت را در درجه اول، متوجه دانشمندان و عالمان آن اقوام می کند و آیندگان را به عبرت گیری از آنان دستور می دهد (حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ۱۶ / ۱۱۹). از این بیان نکته دیگری نیز روشن می شود و آن جایگاه علما و دانشمندان امت است که وظیفه امر و نهی و سرپرستی و هدایت جامعه را به عهده دارند. همان گونه که خداوند نیز در قرآن دانشمندان یهود را به دلیل عدم امر به معروف و نهی از منکر در جامعه سرزنش می کند و می فرماید: «لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّائِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (المائدة / ۶۳): چرا خداپرستان و دانشمندان دینی، آنها را از گفتار سراپا گناه و خوردن مال حرام نهی نمی کنند؟ مسلماً کاری که می کردند، بد است.

۸. ترک سنت رسول خدا و معصومان (علیهم السلام)

امور معروف و منکر از دو سرچشمه، قابل شناسایی هستند: الف) عقل و دریافت های عقل قطعی؛ ب) وحی و آموزه های وحیانی که شامل قرآن و روایات معصومان - علیهم السلام - است. بنابراین، اگر به امور معروف عمل، و دیگران را به انجام دادن آن تشویق کنیم و یا از منکرات دوری کرده، دیگران را هم از انجام دادن منکرات نهی کنیم، در این صورت، به سنت رسول خدا عمل کرده ایم. ولی اگر، نه خود عمل کرده و نه دیگران را امر به معروف و نهی از منکر کنیم، در واقع، سنت رسول خدا و معصومان - علیهم السلام - را ترک کرده ایم. از این رو، امام علی - علیه السلام - نسبت به این مطلب هشدار داده، در این باره می فرماید: «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ، إِذَا أُقِيمَتِ اسْتَقَامَتِ السُّنَنُ» (ابن عقده، ۱۴۲۴ق: ۱۱۳). اگرچه امام در این روایت انجام دادن این فریضه را موجب استقامت سنن نامیده است،

براساس قاعده مفهوم مخالف - که در علم اصول فقه اثبات شده است - می‌توان نتیجه گرفت که ترک این فریضه موجب تعطیلی سنت‌های الهی می‌شود. در برخی روایات دیگر، امام انجام دادن تمام فرایض دیگر را منوط به اجرای امر به معروف و نهی از منکر دانسته است (اسکافی، ۱۴۰۲ق: ۲۷۵).

۹. عامل نارضایتی معصومان (علیهم‌السلام)

امام علی - علیه‌السلام - در ضمن خطبه‌ای، دو طایفه را دشمن‌ترین مردم نزد پروردگار معرفی می‌کند: اول، کسانی که به دلیل انجام دادن معصیت، خداوند آنها را به خودشان وا گذاشته است؛ دوم، گروهی که نادانی‌ها را در خود جمع کرده، افراد ناآگاه را گمراه می‌کنند. آن حضرت در ادامه می‌فرماید: به خدا شکایت می‌کنم از آن گروهی که با جهل و نادانی زندگی می‌کنند و در گمراهی می‌میرند؛ نزد آنها چیزی زشت‌تر از معروف و پسندیده‌تر از منکر نیست. اگر کتاب خدا را به صورت صحیح به آنها ارائه کنید و قعی نمی‌نهند، ولی اگر در احکام خدا به گونه‌ای که با میل آنها هماهنگ است تحریفی انجام گیرد، آن را با اشتیاق می‌پذیرند.

در جای دیگری امام - علیه‌السلام - ضمن بیان اخباری از حوادث بعد از خود، درباره وضعیت مردم آخرالزمان نسبت به امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: «... بعد از من روزگاری خواهد آمد که چیزی در آن پنهان‌تر از حق و آشکارتر از باطل نیست، و در شهرها چیزی زشت‌تر از معروف و زیباتر از منکر نخواهد بود» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۴۷).

در جای دیگری می‌فرماید: «فساد آشکار شد، نه کار زشت را دگرگون‌کننده‌ای مانده است و نه نافرمانی و معصیت را بازدارنده‌ای. با چنین دستاویزی می‌خواهید در دار قدس خدا مجاور او شوید؟! و نزد وی از گرمی‌ترین دوستانش باشید؟ هرگز! ... خشنودی او را جز به طاعت به دست نتوان آورد، لعنت خدا بر آنان که به معروف فرمان دهند و خود آن را واگذارند و از منکر بازدارند و خود آن را به جا آرند» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۲۹).

نتیجه گیری

۱. فریضه امر به معروف و نهی از منکر در بیان معصومان، به ویژه امام علی - علیه السلام - از جایگاه والایی برخوردار است تا جایی که بالاترین اعمال دانسته شده است و انجام فرایض دیگر در جامعه منوط به اجرای امر به معروف و نهی از منکر است.
۲. از نظر امام علی - علیه السلام - انجام این فریضه الهی نه تنها موجب رضایت خداست بلکه آثار دنیوی فراوانی حتی در زندگی فردی و اجتماعی افراد دارد. افزایش رزق و روزی، اصلاح حاکمان و توده مردم، ایجاد آرامش و امنیت در جامعه، ایجاد اتحاد در جامعه مسلمانان، غلبه بر دشمنان و... از جمله این آثار است.
۳. ترک امر به معروف و نهی از منکر در جامعه می تواند پیامدهای خطرناکی برای فرد و جامعه در پی داشته باشد. برخی از این پیامدها عبارت اند از:
 - الف) از دست دادن نیروی تشخیص برای حل مشکلات مردم و حاکمان؛
 - ب) افزایش نفاق و دورویی در جامعه و در نتیجه، از بین رفتن اتحاد بین مردم؛
 - ج) در شمار اشرار و بدان اُمت به حساب آمدن و در نتیجه، از دست رفتن جایگاه انسان؛
 - د) شریک شدن در گناه دیگران به دلیل امر و نهی نکردن، زیرا امر و نهی نکردن نشانه رضایت قلبی به انجام دادن آن منکر است؛
 - ه) تسلط اشرار بر جامعه، زیرا همبستگی بین آحاد مردم از بین می رود و به همدیگر اعتماد نمی کنند؛
 - و) دوری از رحمت خدا و کم شدن برکات از جامعه؛ گناه در جامعه موجب از بین رفتن برکات خداوند می شود؛
 - ز) انحطاط و سقوط جامعه، زیرا گناه کاران مانعی برای انجام دادن معاصی نمی بینند و اجتماع کم کم به مرحله سقوط می رسد؛
 - ح) موجب نارضایتی معصومان - علیهم السلام - و در نتیجه، دوری از رحمت خداوند می شود.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش). *النهاية في غريب الحديث و الأثر*. محقق: محمود محمد طناحی. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان. چاپ اول.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۵ش). *كشف المحجة لثمره المهجة*. محقق: محمد حسون. قم: بوستان کتاب. چاپ دوم.
۳. ابن عساکر (۱۴۱۵ق). *تاریخ مدینه دمشق*. ج ۴۲. بیروت: دار الفکر. چاپ اول.
۴. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد (۱۴۲۴ق)، *فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام*. محقق: محمد حسین عبدالرزاق. قم: دلیل ما. چاپ اول.
۵. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*. محقق: عبدالسلام محمد هارون. ج ۴. قم: مکتب الاعلام الاسلامی. چاپ اول.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*. محقق: جمال‌الدین میردامادی. ج ۱۰. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۷. ابن میثم، میثم بن علی (۱۳۶۶ش). *اختیار مصباح السالکین*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۸. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). *كشف الغمة في معرفة الأئمة*. محقق: سید هاشم رسولی محلاتی. ج ۲. تبریز: بنی هاشمی. چاپ اول.
۹. اسکافی، محمد بن عبد الله (۱۴۰۲ق)، *المعیار و الموازنه فی فضائل الإمام أمير المؤمنين*. بیروت: چاپ اول.
۱۰. آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶ش). *غررالحکم و دررالکلم*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل*. ج ۱۶. الشیعه. قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت (علیهم‌السلام).
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام*. محقق: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. ج ۵ و ۱۶. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۳. حلی، جعفر بن حسن (۱۳۸۳ش). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. ج ۱. قم: استقلال.
۱۴. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). *إرشاد القلوب إلى الصواب*. ج ۱. قم: الشریف الرضی.

۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. محقق: صفوان عدنان داوودی. بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیه.
۱۶. سید رضی (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه. محقق: صبحی صالح. قم: هجرت.
۱۷. شهید ثانی، زین الدین (۱۴۱۳ق). مسالك الافهام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامی.
۱۸. صاحب بن عباد، إسماعیل (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة. محقق: محمد حسن آل یاسین. ج ۲. بیروت: عالم الكتاب. چاپ اول.
۱۹. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶ش). الامالی. تهران: کتابچی.
۲۰. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. ج ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ج ۸. تهران: انتشارات ناصر خسرو. چاپ سوم.
۲۲. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین. محقق: سید احمد حسینی. ج ۳. تهران: کتاب فروشی مرتضوی. چاپ سوم.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام. محقق: حسن موسوی خراسان. ج ۶. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. ج ۲ و ۵. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۵. لیثی، علی بن محمد (۱۳۷۶ش). عیون الحکم و المواعظ. محقق: حسین حسینی بیرجندی. قم: دارالحديث.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. ج ۱۴. بیروت: دار إحياء التراث العربی. چاپ دوم.
۲۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). المقنعه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۲۸. نصر بن مزاحم (۱۴۰۴ق). وقعه صفین. محقق: عبدالسلام هارون، قم: مکتبه آیه الله المرعشی. چاپ دوم.
۲۹. نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. ج ۱۲. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).